

یزد

نگین کویر

عکس : همایون امیر یگانه
مدیر هنری و طراحی : مهندس افشید فاطمی نظر
متن : محمد زمانیان
ترجمه : هنگامه دولتشاهی
تفکیک رنگ : محمود رسائی ، هاشم تاجیک
لیتوگرافی : فرآیند گویا
چاپ : ایبانه
صحافی : گوهر
تیراژ : ۴۰۰۰
چاپ اول تابستان ۸۴
شابک: ۹۶۴-۸۷۴۱-۰۳-۴



هنر سرای گویا

تهران - خیابان کریمخان زند - پلاک ۱۳۷

تلفن : ۸۸۲۱۳۴۳۱ - ۸۸۲۳۸۴۵۳

www.gooyabooks.com

Email : info@gooyabooks.com

امیر یگانه، همایون، ۱۳۴۶ - عکاس
یزد: نگین کویر / عکس همایون امیر یگانه؛ مدیر هنری و طراحی
افشید فاطمی نظر؛ متن محمد زمانیان؛ ترجمه امین پارسا. - تهران :
هنر سرای گویا، ۱۳۸۴.
۱۶۰ ص.

ISBN: 964-8741-03-4

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. یزد (استان) -- عکسها. ۲. عکسها -- ایران. الف-زمانیان،
محمد. ب. پارسا، امین، مترجم. ج. عنوان.
۴۸۵ الف / TR ۶۵۴ ۷۷۹ / ۹۹۵۵۹۲
کتابخانه ملی ایران ۸۴-۱۷۲۷۴

پیر نکین کویر



استان یزد در یک نگاه :

برای معرفی یزد همیشه کلام را با عطش کویر می‌آمیزند و از دریچه رویایی سراب به سراغ داغهای تشنگیش می‌روند و اینکه سرزمینی است خشک و همدرد و هم ناله با بیابان و طوفان و پریشانی که شوره‌زارش زلال چشمه‌های خروشان را می‌طلبند و موج ریگهای روانش طراوت دل‌انگیز دریا را و اینکه آب و هوایی بیابانی و گرم و خشک دارد و متوسط باران سالیانه‌اش کمتر از ۵۰ میلیمتر است و ارتفاعاتش یکی شیرکوه سربلند، بگذریم که به دلیل همین موقعیت زیست - محیطی در طول تاریخ از جنگها و بحرانها و یورشها مصون مانده و لطمه‌ای ندیده است.

به قول مرحوم استاد پیرنیا در شهری که جویهایش به جای آب روان، ریگ روان است، مردم بزرگوار و پرتلاشی بودند که توانستند از سده‌های دور، این شهر را به عنوان یکی از مراکز بزرگ تمدن ایران نگه دارند که نظیرش در هیچ جای دنیا نیست. تمدنی که نشانه‌های عالی اخلاقی و معماری و باستان‌شناسی را درهم آمیخته و جزء فرهنگ جدایی‌ناپذیر مردم ساخته است و امروز این سرزمین گنجینه هنر است و هر ویرانه‌اش دفتری است پر از زیبایی که در برابر چشم شیفتگان هنر گشاده است. آورده‌اند که ضحاک و یا اسکندر یزد را پایه‌گذاری نموده‌اند یا ابرکوه را به ابراهیم پیامبر(ع) و میبد را به سلیمان نبی(ع) نسبت داده‌اند؛ اینها همه و همه نشانه قدمت و کهنسال بودن این سرزمین است، سرزمینی که نامش ریشه مقدس دینی دارد و واژه یزد ریشه در یشت یا یزت و یشن داشته، با مفاهیمی چون ستایش و نیایش و پرستش و ایزد و یزدان همراه و مترادف است، به علاوه در پاره‌ای از متون قدیمی به یزد دارالعباده هم گفته‌اند. اوج شکوفایی و عظمت فرهنگی یزد به زمان آل مظفر مربوط می‌شود که در آن زمان در هیچ جای ایران به اندازه یزد دارالتعلیم به وجود نیامد به گونه‌ای که یزد به دارالعلم ملقب گردید.

پیشینه تاریخی :

در کتاب ایران باستان تالیف روانشاد حسن پیرنیا آمده است که نام این شهر نخستین بار (ایساتیس) بوده که در قلمروی حکومت مادها قرار داشته است، پس از آن در کتاب سالک و ممالک ابن‌خرداد، به (تالیف ۲۳۲) از آن به عنوان یزد نام برده شده است. در کتاب دیگری به نام حدودالعالم که در همان سده تالیف شده از آن با عنوان (کته) یاد شده است و (کته) برخلاف ادعای بسیاری نه (نام یونانی است و نه به معنی پاسگاه و کنتی یونانیان در ایران)، بل پسوند نام شهرهاست که در حدودالعالم نیز زیاد به چشم می‌خورد و بنا به نظر زنده‌یاد دهخدا گویا به معنی شهر یا آبادی است. چیزی همچون پسوند شهر در نامهای خرمشهر و ماهشهر یا آباد در علی‌آباد و خرم‌آباد و شاید بتوان (کته) را با (آباد) کنونی مقایسه کرده است. در طول تاریخ پرفراز و نشیب ایران این شهر به واسطه دور بودن از پایتختهای مهم و مراکز اداری و دیوانی، کمتر از لشکرکشیها و ویرانیها آسیب دیده و از این‌رو توانسته بافت سنتی معماری خود را تا سالهای اخیر حفظ کند، در یک نگرش کلی معماری این شهر تلفیق ناهمگونی از خشت خام و پخته را تشکیل می‌دهد.

در دوره ساسانیان جزء پنج کوره یا ولایت مهم ایالت فارس بود که این وضعیت تا زمان عباسیان برپا بود. پس از هجوم مغول

جزء استان جبال گردید و بعداً جزء ایالت کرمان شد. چند صباحی در زمان اتابکان یزد و سلسله آل مظفر مرکز حکومتشان بود، در کتاب (اسلام در ایران) ترجمه کریم کشاورز از آن به همراه اصفهان به عنوان شهرهای شافعی مذهب قرن نهم نام می‌برد. در زمان قاجار زیر سلطه خانهای بختیاری بود و در جنبش آزادیخواهی مشروطه همصدا با سایر شهرها شرکت داشت. سالیان سال در زیر سایه اصفهان بود. پس از استقلال از اصفهان در مردادماه ۱۳۴۸ و تبدیل آن به فرمانداری، در مهرماه سال ۱۳۵۲ به استان تبدیل گردید و اکنون از شهرهای عمده کارگری و صنعتی ایران است.

موقعیت جغرافیایی :

شهر یزد که عنوان مرکز استان را نیز دارا است، از شمال به شهرستان اردکان، از شرق به شهرستان بافق، از جنوب به شهرستان مهریز و تفت و از غرب به شهرستان میبد محدود است. مساحت شهرستان یزد ۶۳۰۵ کیلومترمربع و مساحت استان یزد ۷۲۱۵۶ کیلومترمربع می‌باشد و ارتفاع آن از سطح دریا بیش از ۱۲۰۰ متر است. آب و هوای آن صحرایی و نیمه صحرایی با تابستانهای گرم و خشک و زمستانهای سرد و خشک است. چنانکه در کتابهای مهمی چون مسالک و ممالک، صورةالارض و سفرنامه مارکوپولو (نگارش ۱۲۷۲ م) آمده است، این شهر تا قرن هفتم، شهری خوش آب و هوا، سرسبز و با جنگلهای وسیعی بوده که آن را به کرمان پیوند می‌داده است. اما بر اثر بروز مسایل جوی، تغییرات دورانهای مختلف زمین، استفاده بی‌رویه از مراتع، کم‌کم به بیابانی خشک و بی‌آب و علف تبدیل شده است. قرارگرفتن در حاشیه کویر و وجود ارتفاعات زاگرس که مانع از رسیدن رطوبت دریا می‌شود و چندین عامل دیگر باعث خشک‌بودن هوای یزد شده و به واسطه کمبود باران در این منطقه پوشش گیاهی مناسبی نداشته و کشاورزان ناچار هستند برای تامین آب زمینهای زیر کشت خود از چاههای ژرف و کاریزها بهره ببرند.

بناها و اماکن مذهبی :

در استان یزد مسجدهای قدیمی و متعددی وجود دارد که هریک از آنها از نظر تاریخی، هنری و معماری حائز اهمیت می‌باشند. این مسجدها، شامل مساجد محله‌ای و مساجد جامع هستند. مساجد محله‌ای معمولاً بدون تزئیناتی شاخص هستند، ولی از نظر طراحی جنبه‌های قابل توجهی دارند. از نمونه‌های خوب مساجد محله‌ای می‌توان به مسجد بازارچه فهادان، مسجد بازارچه محل تل، مسجد کوشک نو و مساجد پشت باغ و... اشاره کرد. مسجدهای جامع برخلاف مساجد محله‌ها دارای تزئینات خاص، معماری ویژه، وسعت زیاد و قسمت‌های متعدد هستند. مسجدهای جامع بافق، مسجد امام (شاه ولی) تفت، مسجد جامع ندوشن، مسجد جامع دیید و مساجد جامع اردکان، بندرآباد، خراتق، بیداخوید و مسجد جامع طرزان از آن جمله هستند.



یزد

پرستشگاه نیکی و نور

خاستگاه خاکهای نرم و مردمان صبور

سرزمین بادگیرهای بلند در قاب آبی آسمان

دیار طعم زمردین انگور

و رنگ یاقوتی انار

امیدوارم گوشه ای از این زیبایی و قدمت را آنچنان که بایسته است به تصویر کشیده باشم.

شایسته می دانم از همسرم، آقایان ناصر و احسان میرباقری، خانواده محترم صالحی، همکار پرتلاشم پوریا صالحی، دوستانم جلال سپهر و داریوش کیانی، معرفی و آموزش سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، میراث فرهنگی و گردشگری استان یزد و همه دوستان که در شکل گرفتن این مجموعه به من یاری فرمودند کمال تشکر را داشته باشم.

همایون امیر یگانه

مرداد ۸۴

To Yazd

The land of worship of goodness and light

The cradle of soft earth and patient people

The place of high windbreakers in the frame of blue sky

and the homeland of emerald taste of grapes

and the ruby-colored pomegranates

I hope I have been successful in presenting some parts of the beauty and history of Yazd, in my collection

I express my thanks and gratitude towards my wife and all those people whose cooperation have enabled me to produce this collection. I especially offer my gratitude towards the following people:

Mr. Nasser Mirbagheri & Mr. Ehsan Mirbagheri, the respected family of Salehi, my hard working colleague:

Mr. Poorya Salehi, my friends: Mr. Jalal Sepehr and Mr. Dariush Kiyani, the hard working personnel of Introduction and Education Department at Cultural Heritage Organization and Finally the manager and colleagues of Cultural Heritage Organization of Yazd province.

For the period of time in the era of Atabakan-e-Yazd and Al-e-Mozaffar kingdom, this city was the capital of government. In the book (Islam in Iran) which is translated by Karim Keshavarz it is recalled as a city with the religion of Shafei (a branch of Islam) in nine century together with Esfahan.

In the era of Qajar dynasty, this city was under control of Bakhtiyari's feudal system and in the constitutional freedom movement took part with other cities. For many years was under the shadow of Esfahan, then after releasing from Esfahan in 1318 (solar calendar) it changed into governorship, in 1320 (solar calendar) it converted into a province and now it is one of the main labor and industrial city.

Geographical situation:

The city of Yazd which is the center of province is bounded to city of Ardakan from north and the city of Bafgh from east and the cities of Mehriz and Taft from south. The area of Yazd is 11,240 kilometers in square root and the area of Yazd province is 67,121 kilometers in square root and the height of city from the sea level is more than 1100 meters.

The climate is campestrial and semi campestrial with dried and hot summer and dried and cold winter, as it is written in important books such as Masalek Va Mamalek, Soratolarz and MarcoPolo's travels (1271 AD), this city up to seventh century had a very pleasant climate with green and extensive forest which had been joined to Kerman, but the climate due to metrological issues, different ages of earth changes and overuse of pastures converted to the desert without plant and water.

This city is located beside the desert and the existence of Zagross's heights are the barriers to reach the humidity of sea to this area and other factors caused that the climate to be dried and due to shortage of rain in this area has no suitable plants.

This issue caused the farmers in order to provide water for lands under cultivation to get benefit from the drains and depth wells.

Constructions and religious shrines:

In the Yazd province there are a variety old mosques that each of them from historical, artistic and architectural points of view are the most significant. These mosques are included local mosques and Jameh mosques. The local mosques are usually without significant decoration, but from the design point of view possessed with considerable aspects, namely Bazarch Fahadan mosque, Bazarch-e-Mahar-e-Tal mosque, Koshk-e-No mosque and Poshte-e-Bagh mosques and ...

The Jameh mosques on the contrary of local mosques possessed with significant decorations, special architecture and extensive area and different sections, namely Bafgh Jameh mosques, Imam (Shah Vali) Taft mosque, Nadoshan Jameh mosque, Maybod Jameh mosque and Ardakan Jameh, Bandarabad, Kharanegh, Bidakhoed mosques and Tarzjan Jameh mosque.

Yazd Province at a glance

For the introduction of Yazd the word always blends with thirsty of desert and from the gate of mirage dream it seeks for obviating of it's thirsty and also as it is a dried land and at the same time storm of salt flat that follows the roaring of soft springs and the wave of its moving sand has fresh sweet of sea. Yazd is desert and has a hot and dry climate and the average rate of its raining is less than 50 mm and one of its heights is Shirkooh. Due to its environmental situation in the course of history this city has been kept safe from wars, crises and attacks and has not been damaged.

It is quoted as Late Ostad Pirnia saying in city that in its streamlets the moving sand is running instead of water, there was great and dynamic people who could maintain this city as a big centers of Iran old civilization from the long time ago which there is no like that in any part of the world. The civilization that the supreme of signs of ethical and architectural and archeological are blended and made it as integral part of people and today this land is treasure-trove of art and every ruined place of it, is full of beauty against the eyes of art lovers.

It is narrated that Zahak or Alexander founded the Yazd or Abarkooh founded by Abraham prophet (P.B.U.H) and Meibod founded by Solomon prophet (P.B.U.H), these are all the sign of ancientness of this land, the land that its name has root of sacred religious and the name of Yaza had have the root in Yasht or Yazt and Yashan which is synonym of concepts such as worship, pray and God, furthermore in some old texts Yazd is named as Darolebadeh (place for worship). The summit of dehiscence and its cultural greatness of Yazd are concerned to the era of Al-e-Mozaffar, in that time there was many places in Yazd for training so that the city is endowed with title of Darolelm (university).

Historical background:

In the book of Iran-e-Bastan compiled by Hassan Pirnia it is quoted as saying that the name of this city for the first time had been "ESATIS" which is governed by Medes, then in the book of Salek Va Mamalek compiled by Ebn-e-Khordad (compilation 900) it is named as Yazd.

In another book, Hododolalam which is compiled at the same time ,this city recalled with the title of (Keseh) and this name on the contrary of many claims its not (Greek name and its not the meaning of post and Greek post in Iran), but it's a suffix for name of cities that is indicated many times in Hododolalam and based on the late Dehkhoda's opinion it means city or habitation. Something like the suffix of Shahr(city) in the names of Khoramshahr,Mahshahr or Abad(habitable) in Aliabad and Khoramabad and perhaps it can be compared with the present (Abadeh).

In the course of the history of Iran ,this city due to being far from important capitals and administrative and governmental centers, it is less attacked or damaged ,so it maintained its traditional architectural form up to present, in a general view the architectural of this city is formed an unmatched combination of sun-dried brick and backed mud brick. In Sassanide period this city was one of the five important states of Fars province which was continued until Abbasid era. Then after attack of Mongol joined to the Jebal province and then became one of the Kerman states.

Y a z d

The Pearl of Desert

Photo : **H. Amir Yeganeh**

Art Director & Design : **A. Fatemi Nazar**

Text : **M. Zamanian**

Translation : **H. Dowlatshahi**

Color Separation : **M. Rasaei, H. Tajik**

Lithography : **Farayand-e Gooya**

Printing : **Abyaneh**

Binding : **Gohar**

Print runs 4000

summer 2005

ISBN : 964-8741-03-4

Gooya Art House

139 Karimkhan Ave. Tehran . Iran

Tel : (+98) 21 88313431

www.Gooyabooks.com

E-mail : info@Gooyabooks.com